



دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته کلام

عنوان فارسی

بررسی مسئله فطرت و ابعاد معرفتی آن از دیدگاه علامه طباطبایی

استاد راهنما

دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

استاد مشاور

دکتر حمیدرضا سروریان

پژوهشگر

الهام پاشایی

دی ۱۳۹۳

علم ابزار میسازد و ایمان مقصد
علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز
علم توانستن است و ایمان خوب خواستن
علم می نمایاند که چه هست و
ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد

تقدیم به آنان که می خواهند از این چشمه زلال آب حیات بیشتر بنوشند

تقدیم به پدر و مادرم که درس عشق و محبت به من آموختند

تقدیم به آنان که حرفی به من آموختند

نام خانوادگی دانشجو: پاشایی	نام: الهام
عنوان پایان نامه: بررسی مسأله فطرت و ابعاد آن از دیدگاه علامه طباطبایی	
استاد راهنما: دکتر کریم زاده قراملکی استاد مشاور: دکتر سروریان	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۳
	تعداد صفحه: ۱۵۰
گرایش: محض	

کلیدواژه: طباطبایی، فطرت، خداشناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی، اخلاق

چکیده:

مسأله فطرت یکی از مباحث مهم و بنیادی در فلسفه و کلام است. از این رو این نظریه را ام‌المسائل یا به تعبیر دیگر اصل مادر خوانده‌اند. بر اساس این نظریه انسان در متن آفرینش قبل از آنکه عوامل اجتماعی و روانی در او تاثیر بگذارد، یک سلسله اقتضاهای انسانی به حسب اصل فطرت در او هست که مشترک بین همه انسانهاست مانند: خداشناسی و حقیقت‌جویی و... و در اصطلاح، توان معرفتی انسان است که از جانب خدا در سرشت او نهاده شده است. در چند قرن اخیر به دلیل پیدایش مکتب‌های الحادی از یک سو و پیشرفت علم روانشناسی از سوی دیگر بحث فطرت و ابعاد آن مورد توجه اندیشمندان و متألهین واقع شده است. مرحوم علامه طباطبایی، از جمله اندیشمندان اسلامی، نظریه فطرت را ساده‌ترین و روشنترین راه برای اثبات و موجه ساختن بسیاری از مسائل مهم و مبنایی مانند: مباحث خداشناسی، اخلاق، تربیت، دین‌شناسی، انسان‌شناسی و... می‌داند. و بر این عقیده است: همه این مباحث در خاصیت و تاثیرگذاری خود وام‌دار مسأله فطرت است. از این رو این تحقیق با جهت‌گیری توصیفی و تحلیلی به بررسی ابعاد معرفتی نظریه فطرت از دیدگاه علامه طباطبایی می‌پردازد و

برآیند آن ابتناء خداشناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی، اخلاق‌ورزی انسان یه فطرت است و این مهمترین یافته
این پژوهش است.

تشکر و قدردانی

خداوند منان را سپاس می‌دارم که توفیق انجام این کار را به من ارزانی داشت. از مساعدت‌ها و راهنمایی‌های استاد فاضلم جناب آقای دکتر کریمزاده که پیوسته نظرات صائب ایشان کمک حال بنده در تدوین این رساله بوده، تشکر می‌کنم و سلامت و سعادت برای ایشان آرزومندم. از استاد مشاور جناب آقای دکتر سروریان که از محضرشان کسب دانش کرده‌ام، سپاسگزارم. از ریاست و معاونت محترم دانشکده جناب آقای دکتر علیزاده و از مدیر محترم گروه جناب آقای دکتر سروریان کمال تشکر را دارم که در به سامان رسیدن این رساله نهایت لطف و عنایت خود را مبذول داشته‌اند. از آنجا که در این مقال امکان ذکر نام و بزرگواری همهٔ استادان عزیز می‌که در طی سال‌های تحصیل از فضل و دانششان بهره‌برده‌ام مهیا نیست، کلام را با ادای احترام به محضرشان به پایان می‌رسانم.

فهرست مطالب

مقدمه

۱. بیان مسئله.....ص ۱۰
- ۲- سیر تاریخی بحث.....ص ۱۱
۳. پیشینه بحث.....ص ۱۲
۴. سوالات تحقیق.....ص ۱۳
۵. فرضیات تحقیق.....ص ۱۴
۶. بررسی منابع.....ص ۱۴
۷. مواد و روش ها (روش تحقیق).....ص ۱۵

کلیات و مفاهیم

فصل اول

۱. مفهوم شناسی فطرت.....ص ۱۷
- ۱-۱. مفهوم فطرت در لغت.....ص ۱۷
- ۱-۲. مفهوم فطرت در اصطلاح.....ص ۱۷
- ۱-۲-۱. مفهوم فطرت در رهیافت فلسفی.....ص ۱۸
- ۱-۲-۲. مفهوم فطرت در رهیافت کلامی.....ص ۱۹

- ۳-۲-۱. مفهوم فطرت در رهیافت عرفانی.....ص ۱۹
- ۴-۲-۱. مفهوم فطرت در رهیافت قرآنی و روایی.....ص ۲۱
- ۵-۲-۱. مفهوم فطرت در رهیافت اندیشمندان غربی.....ص ۲۲
۲. وجه تمایز مفهوم فطرت با غریزه و طبیعت.....ص ۲۳
- ۱-۲. تفاوت فطرت و غریزه.....ص ۲۳
- ۲-۲. تفاوت فطرت با طبیعت.....ص ۲۴
۳. ویژگی های امور فطری.....ص ۲۵
- ۱-۳. تخلف ناپذیریص ۲۵
- ۲-۳. اقتضای آفرینش.....ص ۲۵
- ۳-۳. ثبات و پایداری.....ص ۲۶
- ۴-۳. بی‌نیازی از تعلیم و تعلم.....ص ۲۶
- ۵-۳. همگانی و فراگیر.....ص ۲۷
۴. روشهای شناخت امور فطری.....ص ۲۷
۵. اقسام امور فطری.....ص ۲۸
- ۱-۵. ادراکات فطری.....ص ۲۸
- ۲-۵. گرایشات فطری.....ص ۲۸
۶. کارکردهای معرفتی فطرت.....ص ۲۸
- ۱-۶. خدانشناسی فطری.....ص ۲۹

۶-۲. دین فطری.....ص ۲۹

۶-۳. انسانشناسی فطری.....ص ۲۹

۶-۴. معرفت شناسی فطری.....ص ۳۰

۶-۵. اخلاق فطری.....ص ۳۰

۶-۶. زبانشناسی فطری.....ص ۳۰

خداشناسی فطری

فصل دوم

مقدمه.....ص ۳۲

۱. اهمیت و ضرورت خداشناسی.....ص ۳۲

۲. راه های اثبات وجود خدا.....ص ۳۳

۳. رهیافتهای مختلف درباره خداشناسی فطری.....ص ۳۳

۳-۱. شناخت حضوری خدا.....ص ۳۴

۳-۲. شناخت حصولی خداوند.....ص ۳۶

۳-۳. تجلی خدا در قلب انسان.....ص ۳۷

۳-۴. حب به کمال مطلق و پرستش آن.....ص ۳۷

۳-۵. امیدواری به خدا در شاداند.....ص ۳۸

۳-۶. احساسات درونی به خدا.....ص ۴۰

۴. ادله و براهین خدانشناسی فطری.....	ص ۴۱
۴-۱. براهین فلسفی و عقلی.....	ص ۴۱
۴-۱-۱. تضایف مفهومی بین عاشق و معشوق.....	ص ۴۱
۴-۱-۲. صیانت فطرت از اشتباه.....	ص ۴۳
۴-۲. شواهد تجربی و تاریخی.....	ص ۴۳
۴-۲-۱. واقعیت‌های تاریخی.....	ص ۴۴
۴-۲-۲. شواهد باستان شناسی.....	ص ۴۴
۴-۲-۳. مطالعات روانشناسی.....	ص ۴۵
۴-۲-۴. تجربیات و شواهد شخصی.....	ص ۴۶
۴-۲-۵. گواهی دانشمندان بر فطرت مذهبی.....	ص ۴۶
۵. خدانشناسی فطری از منظر نصوص دینی (آیات و روایات).....	ص ۴۷

دین فطری

فصل سوم

مقدمه.....	ص ۴۹
۱. منشا دین.....	ص ۵۰
۲. دین فطری.....	ص ۵۱
۳. ادله فطری بودن دین.....	ص ۵۴

- ۱-۳. ادله نقلی.....ص ۵۴
- ۱-۱-۳. فطرت دینی در قرآن.....ص ۵۴
- ۱-۲-۳. فطرت دینی در روایات.....ص ۵۵
- ۲-۳. ادله عقلی.....ص ۵۵
۴. سرّ اختلاف ادیان و دین فطری.....ص ۵۷
۵. رابطه دعوت انبیاء با دین و فطرت.....ص ۶۱
۶. فطرت دینی و خطا در معرفت انسانی.....ص ۶۳
- ۷- علل و عوامل فطری بودن دین اسلام از دیدگاه علامه.....ص ۶۵

انسان‌شناسی فطری

فصل چهارم

۱. اهمیت انسان‌شناسی.....ص ۶۹
۲. رویکردهای مختلف در انسان‌شناسی.....ص ۶۹
- ۱-۲. انسان‌شناسی عرفانی.....ص ۷۰
- ۲-۲. انسان‌شناسی فلسفی.....ص ۷۰
- ۳-۲. انسان‌شناسی تجربی و تاریخی.....ص ۷۱
- ۴-۲. انسان‌شناسی دینی.....ص ۷۱
۳. سرشت انسان.....ص ۷۴

- ۳-۱. دیدگاه خوش بینانه.....ص ۷۴
- ۳-۲. دیدگاه بدبینانه.....ص ۷۷
۴. فطریات انسان.....ص ۷۸
- ۴-۱. آگاهی های فطری.....ص ۷۸
- ۴-۱-۱. قضایای بدیهی.....ص ۷۹
- ۴-۱-۲. ارزش های اخلاقی.....ص ۷۹
- ۴-۱-۳. گرایش فطری به خدا.....ص ۸۱
- ۴-۲. گرایش های فطری.....ص ۸۱
- ۴-۲-۱. میل به حقیقت جوئی.....ص ۸۲
- ۴-۲-۲. میل به اخلاق.....ص ۸۳
- ۴-۲-۳. میل به زیبایی.....ص ۸۳
- ۴-۲-۴. میل به پرستش.....ص ۸۴
- ۴-۲-۵. میل به اجتماعی بودن.....ص ۸۵
- ۴-۲-۶. میل به جاودانگی.....ص ۸۶
- ۴-۲-۷. میل به کمال مطلق.....ص ۸۷
- ۴-۲-۸. گرایش به آزادی.....ص ۸۸
- ۴-۲-۹. گرایش فطری به عدالت.....ص ۸۹
- ۴-۳. توانایی های فطری.....ص ۹۰

- ۱-۳-۴. توانایی یادگیری و درک.....ص ۹۰
- ۲-۳-۴. غلبه بر نفس.....ص ۹۲
- ۳-۳-۴. خلاقیت و نوآوری.....ص ۹۲
- ۴-۳-۴. سخنگویی، تفهیم و تفاهم.....ص ۹۳
- ۵-۳-۴. قرب ربوبی.....ص ۹۵

اخلاق فطری

فصل پنجم

- مقدمه.....ص ۹۸
۱. تعریف اخلاق و اهمیت آن.....ص ۹۹
۲. اخلاق فطری.....ص ۱۰۰
۳. منشأ و خاستگاه اخلاقی.....ص ۱۰۲
- ۳-۱. اخلاق طبیعی و انسانی.....ص ۱۰۲
- ۳-۲. امر الهی.....ص ۱۰۴
- ۳-۳. اخلاق فطری.....ص ۱۰۵
- ۳-۳-۱. نظریه حس اخلاقی (شهید مطهری).....ص ۱۰۵
- ۳-۳-۲. تقریر علامه از اخلاق فطری.....ص ۱۰۷
۴. رابطه دین و اخلاق.....ص ۱۰۹

- ۱-۴. اتحاد.....ص ۱۱۰
- ۲-۴. تباین.....ص ۱۱۱
- ۳-۴. اخلاق، جزئی از دین.....ص ۱۱۲
۵. مسئولیت اخلاقی.....ص ۱۱۳
- ۱-۵. مفهوم شناسی و قلمرو مسئولیت اخلاقی.....ص ۱۱۳
- ۱-۱-۵. در برابر خدا.....ص ۱۱۴
- ۲-۱-۵. در برابر خود.....ص ۱۱۴
- ۳-۱-۵. در برابر دیگران (جامعه).....ص ۱۱۵
- ۴-۱-۵. در برابر سایر موجودات.....ص ۱۱۶
۶. تربیت و فطرت.....ص ۱۱۷

نتیجه گیری.....

منابع و مأخذ.....

چکیده انگلیسی.....

مقدمه

۱. بیان مسئله

فطرت عبارت از سرشتی است که هر موجودی در آغاز خلقت خود بدان حالت است و بیشتر در مورد انسان بکار می‌رود. خداوند فرموده است: « فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند! » (روم: ۳۰) و در اصطلاح فلسفی فطریات عبارت از مقدمات بدیهی و ضروری است و قضایائی است که قیاسات آنها با آنها است. ناگفته نماند که عقل و فطرت دو حقیقت مستقل از هم اند، فطرت نحوه وجود آدمی است؛ اما عقل بخشی از وجود یا قوه ای از قوای نفس قلمداد می‌گردد. می‌دانیم که ادراکات عقلی فقط بخشی از محتوای روح انسان است، یعنی انسان همه چیز را با دلیل عقل نمی‌یابد، بلکه خواسته‌ها و یافته‌های فطری و غریزی، قسمت مهمی از محتوای روح او را تشکیل می‌دهد و حتی پایه بسیاری از دلایل عقلی بر همین یافته‌های فطری قرار دارد، در حالی که در حیوانات همه خواسته‌ها و یافته‌ها تنها از طریق غریزه صورت می‌گیرد. بنابراین کسانی که انسان را در بعد عقلی محدود کرده‌اند، در حقیقت تمام ابعاد وجود انسان را نشناخته‌اند. در سرشت بشر تمایل به بسیاری چیزها نهاده شده است. همه این تمایلات، مربوط به اموری است که بشر در سیر تکاملی خود به آنها احتیاج دارد؛ یعنی هیچ تمایل بیهوده و لغوی که احتیاج به کشتن و میراندن داشته باشد، در وجود بشر نهاده نشده است، همچنان که هیچ عضو لغو و بیهوده‌ای در بدن بشر خلق نشده است. فطرت، حالت اولیّه‌ای است که انسان بر آن آفریده شده است و نیز « چیزی است که سبب رهنمون شدن او به تکمیل نواقص و کاستیها و برطرف کردن نیازهای او می‌شود و عامل تشخیص منافع از مضار در زندگی است. » (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص: ۱۷۸) باید توجه شود فطرت امری با لقوه است که با تربیت و رشد دادن به فعلیت می‌رسد. « فطرت خالی از هر گونه اثری است؛ ولی آماده پذیرش هر اثری است که با آن در ارتباط باشد و نامش را از اعمالی که کسب می‌کند می‌گیرد؛ اگر صلاح کسب کرد، صالح است و اگر فساد، فاسد. » (عضیمه، ۱۳۸۰، ص: ۴۵۰) خداوند با دادن این استعدادها فطری از آنها

پیمان گرفته که این استعدادها را باطل نکنند و از آن در مسیر صحیح بهره گیرند. « أَلَمْ نُعْهِدْ إِلَيْكُمْ... ، آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید.» (یس: ۶۰) و افراد انسان نیز به زبان حال و استعداد فریاد بر آورده‌اند که «... سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا... شنیدیم و اطاعت کردیم» (مائده: ۷) این پیمان وسیعترین و محکمترین و عمومی‌ترین پیمانی است که خداوند از بندگان خود گرفته است که علامه از این پیمان بین فطرت و تکوین به عالم ذر یاد می‌کند. « خدای سبحان قبل از ایجاد بنی آدم درباره ایشان انجام داده تا بدین وسیله افراد بشر در معرفت ربوبیتش دارای عرق و فطرتی بوده باشند هم چنان که در روایت آمده که بنی نوع بشر بر فطرت توحید دنیا می‌آیند... . » (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص: ۴۰۷) فطرت انسانی از آن جهت که رقیقه الهی است و به تناسب نقش محوری انسان در قرآن، شناخت انسان و از جمله سرشت نخستین انسان و به لحاظ ورود آن در آیات قرآن از حساسیت و اهمیت خاصی بهره دارد، به همین دلیل در طول تاریخ از بحثهای پرگفتگو و بحث برانگیز است و همواره این سوالات اساسی در مورد فطرت مطرح بوده است که آیا دین فطری است؟ آیا خداشناسی امری فطری است و در نهاد انسان نهادینه شده است یا نه؟ آیا اخلاقمند بودن انسان امری فطری است یا جبر اجتماعی او را به اخلاقی بودن سوق داده است. و سوالاتی مانند آن... هدف از این پژوهش نظریه علامه طباطبایی درباره ماهیت فطرت و ابعاد معرفتی آن در حوزه خداشناسی، دین‌شناسی و اخلاق و ... است.

۲- سیر تاریخی بحث

موضوع فطرت یک بحث منحصر به فرد است که از یک سوء مناقشه‌های فلسفی درباره آن از نظر قدمت تاریخی با هر مناقشه دیگر برابر است و از سوی دیگر، آتش زیر خاکستر آن در چند دهه اخیر بدست روانشناسان و زیان‌شناسان روشن و شعله ور شد و خود را در اشکال گوناگون، در دیدگاه‌های متفکران و محققان بعدی آشکار ساخت و به نمایش گذاشت. کلمه فطرت برای اولین بار در قرآن به کار برده شده است و قبل از آن سابقه‌ای نداشت. در واقع پایه‌گذار این طرح مهم قرآن کریم است. کلمه فطر در آیات مختلف قرآن کریم آمده است اما

کلمه فطرت فقط در آیه ۳۰ سوره روم آمده است که در مورد انسان و دین است. در یک نگاه به اندیشه تاریخ فلسفی جهان غرب، این نکته آشکار می‌شود که طرح واژه‌ها و اصطلاحات فطری یا امور و حقایق فطری به عنوان محوری برای تأملات و مناقشات فلسفی، مربوط به دوره پس از عصر نوزایی (رنسانس) و به طور مشخص، قرن هفدهم هستند. در این مقطع از تاریخ فلسفه، به تدریج سلسله‌ای از مباحثات و تحقیقات فلسفی بر محور امر فطری و به منزله نظریه‌ای روان‌شناختی - معرفت‌شناختی آغاز شد و در چالش و تلاقی میان فلاسفه عقل‌گرا و تجربه‌گرا، به اوج خود رسید یعنی نزاع بر سر امور و حقایق فطری، محصول تفکر فلسفی قرون متأخر و محور تضارب آراء دو جریان فلسفی «عقل‌گرایی» و «تجربه‌گرایی» بوده است. و دقیقاً مناقشه فلسفی بر سر نظریه فطرت، دقیقاً وقتی به اوج رسیده که فیلسوفان بیش از هر وقت دیگر متوجه پایه ریزی مبانی و روشهایی برای علم بوده‌اند. زیرا آنها بر این عقیده بودند که این نظریه ارتباط نزدیکی با فلسفه علم دارد. از این رو، وجود فطریات به ویژه در قرن چهارم پیش از میلاد از سوی فیلسوفان آکادمی و لوسیوم در قرن هفدهم از جانب عقل‌گرایان اروپایی و تجربه‌گرایان انگلیسی مورد بحث قرار گرفت. این نظریه از جمله نقاط چالش در گفت‌وگوی فلسفی فلاسفه اسلامی با فلاسفه غرب نیز به شمار می‌رود.

۳. پیشینه بحث

بحث فطرت از یک طرف یک بحث فلسفی و منطقی است و از سوی دیگر شاخه‌ای از مباحث انسانشناسی و خداشناسی است. در تاریخ تفکر اسلامی به تناسب نقش محوری انسان در قرآن، شناخت انسان و از جمله سرشت نخستین انسان و ابعاد آن به لحاظ ورود آن در آیات قرآن در آثار تفسیری مورد توجه قرار گرفته است. با این همه، آنگونه که انتظار می‌رود نزد متقدمین مسلمان به صورت یک نظریه منسجم و با جهت‌گیری توصیفی، در باب انسان‌شناسی و یا معرفت‌شناسی سامان نیافته است و کمتر درباره آن سخن گفته شده است و

چنانکه باید، مطالبی در دسترس ما قرار نگرفته است. « با اینکه در قرآن از فطرت زیاد یاد شده است، ولی هرچه انسان جستجو می‌کند در هیچ جا یک بحث جامعی راجع به آن پیدا نمی‌کند. » (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص: ۵۷۹) و جای آن در بسیاری از مباحث خالی است. در روزگار ما نیز برخی متألهان جهد بلیغی کردند و کتب و مقالات بسیاری در این زمینه نوشته‌اند، تا از آن نظریه‌های معقول ساخته و در باب انسانشناسی دینی، اخلاق، منشا دینداری و توجیه خداپرستی از آن سود برند. و از جمله کتاب فطرت از شهید مطهری و کتاب فطرت در قرآن از آیت الله جوادی آملی... و مقالات و رسالاتی از قبیل پایاننامه دکتري آقای غفوری‌نژاد از دانشگاه تهران و مقاله معرفت فطری در قرآن از آقای علی پریمی و نظریه فطرت و خداشناسی فطری از سید هاشمی و انسان-شناسی فطری از آیت الله جوادی آملی و مقالاتی از این قبیل... با این حال، هرچند تاکنون کتب و مقالات بسیاری در مورد اصل نظریه فطرت چاپ و منتشر شده است، اما در عین حال تحقیق مستقلی که به دیدگاه‌های علامه طباطبایی با جهت‌گیری توصیفی پردازد، وجود ندارد. این خلأ معرفتی ضرورت این بحث را توجیه می‌نماید.

۴. سوالات تحقیق

الف. سوال اصلی:

نظر علامه طباطبایی در مورد فطرت و ابعاد معرفتی آن چیست .

ب. سوال فرعی:

- فطریات دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

- ارتباط فطرت با خداشناسی چیست؟

- آیا دلیلی بر فطری بودن دین داریم؟

- آیا از طریق فطرت می توان به شناخت ابعاد مختلف انسان پرداخت؟

- چه ارتباطی بین فطرت و اخلاق و تربیت وجود دارد؟

۵. فرضیات تحقیق

مرحوم علامه طباطبایی، راه فطرت را ساده‌ترین راه برای اثبات بسیاری از مسائل مهم و بنیادی، از جمله مباحث خداشناسی، اخلاق و تربیت، دین‌شناسی و انسان‌شناسی می‌داند و آن را روشنترین راه برای مردم عادی میدانند. که خالی از ابهام و اضلال است. گرچه ممکن است مردم بدان توجهی نداشته باشند.

۶. بررسی منابع

با توجه به اینکه این موضوع از مهمترین مباحث در میان همه ادیان میباشد و هیچ دینی نیست که نسبت پیدایش آنرا مورد بررسی قرار نداده باشند. حتی بسیاری از حکیمان آنرا مبنای کار خود قرار داده اند. به همین خاطر منابع متعددی در این زمینه نوشته شده و بزرگان دین کوشیده‌اند ابتدا آنرا در وجود انسان ثابت کرده و سپس در پرتو آن به نتیجه معرفتی مبتنی بر آن رسیده اند. از جمله منابعی که به عنوان پیشینه تحقیق میتوان بدانها اشاره کرد، عبارتند از: اندیشه های کلامی علامه طباطبایی، از آقای مصطفی خلیلی - مجموعه آثار استاد شهید مطهری، رسائل التوحیدیه و تفسیر المیزان علامه طباطبایی و...

۷. مواد و روش ها (روش تحقیق)

در این پایان نامه جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای انجام خواهد گرفت و نگارش آن به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی خواهد بود.